

تحلیل نقش بازی در تربیت عاطفی کودکان

طیبه احمدی^۱

چکیده

یکی از ابزارهای تربیتی که زمینه‌ساز رشد همه جانبه کودک و بخش جدایی ناپذیر زندگی اوست، بازی است. تربیت عاطفی، نقطه عطف تربیتی سایر ابعاد وجودی انسان از جمله عقلانی، اجتماعی و معنوی است و سلامت روانی انسان به سلامت عاطفی او بستگی دارد. نوشتار حاضر با رجوع به منابع دینی و روان‌شناسی و باروش توصیفی-تحلیلی به مفهوم‌شناسی واژه‌های بازی، تربیت و عاطفه پرداخته و با بیان رابطه میان بازی و تربیت عاطفی کودکان، به تبیین آثار بازی در امر تربیت عاطفی اشاره کرده است. از جمله آثار بازی در تربیت عاطفی، ایجاد احساس امنیت و آرامش، از بین رفتن عقده‌ها و جهت‌دهی به عواطف است. نتایج به دست آمده، گویای آن است که کودک از طریق بازی آشفتگی‌های خود را کنترل می‌کند و به آرامش عاطفی می‌رسد. بدین‌سان تمایل به ستیزه‌جویی در او کاهش و برون‌نگری‌اش افزایش می‌یابد، برتری‌جویی‌هایش ارضا می‌شود و اعتماد به نفس کودک افزایش می‌یابد. انرژی اضافه‌اش تخلیه می‌شود، اضطراب‌هایش کاهش می‌یابد و عزت نفس در وی ایجاد می‌شود. بنابراین والدین می‌توانند از طریق بازی، عالی‌ترین نوع محبت را در کودک نهادینه و او را فرمانبردار و مطیع اوامر الهی کنند.

واژگان کلیدی: بازی، تربیت، تربیت عاطفی، بازی و از بین رفتن عقده‌ها، بازی و کسب

آرامش، بازی و پرستش خداوند.

۱. دانش‌آموخته سطح ۲ حوزه علمیه خواران جامعه الزهراء (ع)، قم، ایران. ahmadi88257@gmail.com

مقدمه

یکی از وظایف بسیار مهم پدر و مادر، آموزش تعالیم دینی و تربیت مذهبی به کودکان و نوجوانان است. جهان کودک، جهان محسوسات و مشهودات است و کار عمده و اساسی این دوره را بازی تشکیل می‌دهد. از این رو برای آموزش مفاهیم انتزاعی همچون خدا، مرگ، قیامت و کیفر و پاداش اعمال به کودکان، باید این مفاهیم را بر پایه ویژگی‌های محسوس توصیف کرد و آن‌ها را در قالب بازی‌ها و داستان‌های کودکان به آنان آموخت. تمایل به بازی، یکی از غرایزی است که خداوند حکیم در باطن کودکان قرار داده است. برخی بازی‌ها در ذات خود تأمین‌کننده هدف تربیت دینی هستند و برخی بازی‌ها توسط مربیان تربیتی جهت‌دهی می‌شوند تا بتوان از آن‌ها در راستای تربیت دینی استفاده کرد (ر.ک: شجاعی، ۱۳۹۸، ص ۲۴-۱۹).

صاحب‌نظران تربیت را به انواع جسمانی، عاطفی، عقلانی، اخلاقی و اجتماعی تقسیم می‌کنند که تربیت عاطفی کودک از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا عواطف، عاملی تأثیرگذار در بقای زندگی انسان و عامل بسیاری از رفتارها و اندیشه‌ها و تصمیمات است. تربیت عاطفی، نقطه عطف تربیتی سایر ابعاد وجودی انسان از جمله عقلانی، اجتماعی و معنوی است و سلامت روانی انسان، به سلامت عاطفی او بستگی دارد (شعاری‌نژاد، ۱۳۴۹، ص ۳۰۲). با توجه به اینکه بازی به عنوان یکی از اهرم‌های اصلی تربیتی به‌ویژه برای کودکان زیر هفت سال به شمار می‌آید، از طریق آن به راحتی می‌توان به اهداف تربیت عاطفی کودک دست یافت.

بحث بازی کودکان و آثار مترتب بر آن، از جنبه‌های گوناگونی حائز اهمیت است. والدین باید به همان میزان که از رشد جسمی کودکان مراقبت می‌کنند، به رشد عاطفی او نیز توجه کنند؛ زیرا کودکان از نظر عاطفی بسیار وابسته و آسیب‌پذیر هستند. آنچه در قالب کمبودهای روحی و به شکل ناسازگاری، ناآرامی و اضطراب و یا افسردگی در جامعه دیده می‌شود، نتایج ناآگاهی والدین از بُعد عاطفی کودک است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۱). با توجه به فراوانی سرگرمی‌ها، فیلم‌ها و بازی‌های مخرب غربی، وجود نوشتارهایی با موضوع

آثار بازی در تربیت کودک برای آگاه‌سازی والدین در امر تربیت به‌ویژه تربیت عاطفی کودکان نقش بسزایی ایفا می‌کند. بر اساس بررسی‌های انجام شده، آثاری در زمینه بازی کودکان نگاشته شده است. برای مثال کتاب اسلام و بازی کودکان تألیف بهشتی، به بررسی و تحلیل جنبه‌های مذهبی و دینی بازی در کودکان پرداخته است. نویسنده ابتدا مسئله بازی کودک را از دیدگاه قرآن و سیره پیشوایان دینی مورد بررسی قرار داده و سپس به تحلیل بازی‌های مطلوب و نامطلوب و ضرورت نظارت و هدایت بازی پرداخته است. وی در ادامه انواع بازی و ویژگی‌های آن و نیز تأثیرات تربیتی بازی‌ها را برشمرده است. در انتها نیز نقش تربیتی مادر از راه بازی دادن کودکان را بررسی کرده است. این کتاب در سال ۱۳۹۱ توسط سعید بهشتی، بازی‌باز و ویراستار جدید شده است. کتاب بازی کودک در اسلام نوشته شجاعی نیز در سه فصل با عناوین «اهمیت بازی از دیدگاه روان‌شناسی»، «جایگاه و وظایف والدین در مورد بازی کودک» و «خانواده و اسباب بازی کودک» به بررسی موضوع تربیت کودک از طریق بازی پرداخته است. از مجموعه کتب من دیگر مانیز جلد چهارم با عنوان نقش بازی در تربیت نگاشته عباسی ولدی با هدف افزایش مهارت‌های والدین در تربیت فرزندان در دنیای امروز نوشته شده و نقش بازی در تربیت را بررسی کرده است.

مقاله‌ای نیز در این زمینه به رشته تحریر درآمده است که از آن جمله مقاله «نقش بازی در تربیت دینی کودکان» نوشته جوهری و صیفی‌کناری (۱۳۹۸) است. این مقاله به بررسی نقش بازی در تربیت دینی عمیق و ماندگار کودکان پرداخته است. در مقاله «حکم فقهی استفاده از بازی در تربیت» اثر اعرافی و مبلغ (۱۳۹۴) نیز حکم فقهی استفاده از بازی در تربیت استنباط شده است. از دیگر آثار تألیف شده در این زمینه می‌توان به پایان‌نامه «تربیت عاطفی کودک در خانواده از دیدگاه پیامبر اسلام ﷺ» تألیف علی محمدی (۱۳۹۳) اشاره کرد. نویسنده این پایان‌نامه معتقد است در مکتب اسلام، مبانی و اصول و روش‌های تربیت عاطفی مطابق با هدف غایی تربیت یعنی قرب الهی تعریف می‌شوند. مهم‌ترین نتایج این تحقیق، عبارتند از شناسایی مبانی تربیت عاطفی که ابراز محبت به فرزند، تأمین امنیت، تکریم شخصیت و بازی مورد بررسی واقع شده است. پایان‌نامه «بررسی جایگاه بازی در تعلیم

و تربیت کودکان از نظر مکاتب غربی و اسلام» نوشته ابراهیمی شادپی (۱۳۹۸) نیز با بررسی دیدگاه اسلام و روان‌شناسانی همچون پیاژه و فروید، بازی را باعث رشد همه جانبه کودک دانسته است که بر تعلیم و تربیت کودک تأثیر بسزایی دارد؛ زیرا کودک در بازی مهارت‌هایی را فرا می‌گیرد که با آن‌ها می‌تواند با محیط سازگار شود و در آینده هنگام برخورد با مشکلات زندگی، رفتار مناسبی از خود نشان دهد.

مفهوم شناسی

پیش از ورود به بحث ابتدا به مفاهیم برخی واژه‌های کلیدی و مهم این بحث پرداخته می‌شود.

۱. بازی

بازی در لغت عرب، از ریشه «ل ع ب» و به معنای معروف است (جوهری، ۱۴۱۰، ص ۲۱۹). لعب، فعلی است که انجام‌دهنده آن در پی هدف صحیحی نباشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۴۱) و فعالیتی است که مقصود از آن، برانگیختن شادی و نشاط است (زبیدی، ۱۴۱۴، ص ۱۱۷۰). این ماده در قرآن به هر دو معنای مذکور استعمال شده است. با توجه به این دو تعریف به نظر می‌رسد بازی، فعالیتی است که قابلیت دارد به هر دو صورت محقق شود؛ یعنی به تناسب قصد فاعل، ممکن است تنها برای گذراندن وقت و یا فراتر از آن به قصد تفریح و نشاط باشد؛ چنانکه ممکن است اهداف دیگر از جمله مقاصد تربیتی در آن مد نظر قرار گیرد (اعرافی و ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۶).

بازی در اصطلاح، فعالیتی است که برای سرگرمی و تفریح انجام می‌شود. بازی دارای پنج ویژگی اساسی است. این پنج ویژگی عبارتند از: کودک به آن گرایش درونی دارد، انتخاب آزادانه کودک است، برای کودک لذت بخش است، مبتنی بر واقعیت نیست؛ به‌گونه‌ای که واقعیت را برای انطباق آن با علایق کودک به هم می‌ریزد و لازم است بازیکنان از نظر جسمانی، روانی یا هر دو فعال باشند (هیوز، ۱۳۸۴، ص ۲۶). بازی وسیله مناسبی برای اجتماعی شدن کودکان است و ابزاری برای همانندسازی کودک با دیگران، تمرین بسیاری از نقش‌ها، صرف

نیروهای کودک برای مطلوب و تحکیم آموخته‌های کودک و نیز زمینه به کار بستن عملی آن‌هاست (سقای بی‌ریا، ۱۳۹۶، ص ۱۲۶).

دانشمندان و نظریه‌پردازان همواره تلاش کرده‌اند اهمیت بازی و تأثیرات آن در رشد کودک را به اثبات برسانند و تعاریف و نظریات متعددی را نیز برای بازی ارائه داده‌اند؛ چنانکه ارسطو معتقد است در بازی نیرویی نهفته شده است که موجب می‌شود روان و سرشت آدمی از خواسته‌های ناپسند و امیال و احساسات نامطلوب پاک شود. به عبارتی بازی می‌تواند بخشی از عواطف خطرناک و ناخوشایند آدمی را پالایش دهد. هویزینگا نیز بازی را این‌گونه تعریف کرده است: «فعالیت یا اشتغالی داوطلبانه که در محدوده‌های ثابت زمان و مکان، مطابق با قواعدی که آزادانه پذیرفته شده است؛ اما مطلقاً الزام‌آور نیستند، با هدفی در خود انجام شده و با احساس تنش، لذت و آگاهی از متفاوت بودن آن با زندگی روزمره همراه است» (کوثری، ۱۳۸۹، ص ۱۰ و ۱۱). پیازده معتقد است «بازی، راهی برای دسترسی به جهان بیرون و لمس آن به‌گونه‌ای که با وضع کنونی فرد مطابقت کند. با این تعبیر بازی در رشد هوش کودک نقش حیاتی دارد». وی معتقد است کودک در حین بازی با درون‌سازی تجربه خود، سعی در رشد شناختی دارد (ابراهیمی شادپی، ۱۳۹۸، ص ۱۸). فروید نیز بازی را فعالیتی تخلیه‌ای برای هیجانانگیزان فرد می‌داند و معتقد است کودک در حین بازی، تعارضات پیش آمده برای خود را حل می‌کند و بدین سبب تجربه رویارویی با مشکلات و تعارضات را در آینده به دست می‌آورد (همان، ص ۱۹).

خواجه نصیرالدین طوسی بازی را وسیله‌ای برای رفع خستگی از فعالیت‌های جدی می‌داند. او شرط بازی را آزادی عمل کودک می‌داند و معتقد است بازی، وسیله‌ای برای بروز توانایی‌های کودک و برانگیختن شور و نشاط و تأمین سلامت جسم و روح اوست (احمدوند، ۱۳۸۸، ص ۴۴۵). از نظر وی بازی، عاملی برای بروز استعدادها و توانایی‌های کودک است که شادی و نشاط او را نیز بر می‌انگیزد. این بازی با تولد کودک شروع می‌شود و با بزرگ شدن او شکل بازی تغییر می‌کند. ابوعلی سینا نیز سلب آزادی و جلوگیری از جنب و جوش و بازی کودک را زمینه‌ای برای افسردگی او می‌داند که موجب می‌شود میل و رغبت او به بازی از بین

برود و کودک بیمارگونه بزرگ شود (همان، ص ۳۵). ابوعلی سینا درباره آزادی کودک و تحرک او نیز نظریاتی را مطرح می‌سازد. او معتقد است در رشد جسمانی کودک هرگز نباید از فشار و تحمیل استفاده کرد و باید کودک را آزاد گذاشت. از نظر او بازی، یک فعالیت غریزی و طبیعی برای کودک است که با فطرت او مطابقت دارد و موجب رشد جسمی و روحی اوست (کشاوری و قلی‌ها، ۱۳۹۱، ص ۳۷-۲۳).

هر یک از این تعاریف به وجوهی از بازی کودکان اشاره کرده و تعریف کاملی را ارائه نداده است، اما در یک جمع‌بندی می‌توان گفت بازی، فعالیتی است که برای ایجاد سرگرمی و نشاط، آزادانه و متناسب با روحیه و علاقه کودک، موجب فعالیت جسم و روان او می‌شود. بازی، بهترین وسیله اجتماعی شدن کودک است؛ وسیله‌ای که برای بروز استعدادها و توانایی وی به شمار می‌آید. اگر کودکی بازی نکند، زمینه‌های افسردگی در او رشد می‌کند. اگر چه در دیدگاه اندیشمندان درباره بازی اتفاق نظر وجود ندارد، اما همه فلاسفه از یونان قدیم تا آرای فلاسفه قرن نوزدهم و بیستم، بر اهمیت و نقش بازی در رشد و تربیت کودک تأکید شده است.

۲. تربیت

تربیت واژه عربی و مصدر باب تفعیل است. این واژه از دو ریشه «ربب» و «ربو» اخذ شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۳۶). ریشه «ربو»، به معنای رشد و زیاد شدن است: «رَبَّ الشَّيْءِ يَرْبُو رَبُّوًّا وَ رَبَاءً زَادًا وَ نَمًا» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۰۵)؛ یعنی چیزی رشد کرد و افزوده شد. بر اساس این تعاریف، تربیت در لغت به معنای «پروردن و رشد و نمو دادن» است (اعرافی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰). شهید مطهری نیز تربیت را به معنای «پرورش دادن و استعدادهای درونی بالقوه را به فعلیت رساندن» می‌داند (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۵۷). آیت‌الله مصباح یزدی نیز تربیت را به معنای «فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن همه استعدادهای انسان و حرکت تعاملی او به سوی هدف مطلوب به وسیله برنامه‌سنجیده و حساب‌شده» دانسته است (کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۳۸). بنابراین تربیت از نگاه اسلامی، به فعلیت رساندن قوای انسان و استعدادهای او و ایجاد تعادل و هماهنگی در آن‌ها برای رسیدن به کمال مطلوب است. به عبارتی تربیت، متخلق شدن به اخلاق و مؤدب شدن به آداب الهی است.

۳. عاطفه

عواطف از ریشه «عطف» و به معنای مهر و علاقه خویشی و قرابت و شفقت است (عمید، ۱۳۳۷، ص ۸۷۶). عاطفه در لغت، گرایش‌های طرفینی و یا شیء به شیء دیگری را به ذهن متبادر می‌کند که با حب و علاقه یا کراهت و نفرتی همراه است و لذت و الم را به دنبال دارد و تمایلات پایه آن را تشکیل می‌دهد (عثمان، ۱۳۷۳، ص ۱۶۳). از نظر علامه مصباح یزدی عاطفه، انجذابی است نفسانی که یک انسان نسبت به انسانی دیگر در خود احساس می‌کند و می‌توان آن را به رابطه میان آهن و آهن‌ربا تشبیه کرد. انسان در چنین حالتی احساس می‌کند که به طرف انسان دیگری که مورد عاطفه اوست، کشیده می‌شود (شیروانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۸۲). اصل وجود عواطف در وجود انسان، امری فطری و غیر اختیاری و فاقد ارزش مثبت یا منفی اخلاقی است، اما تقویت و یا تضعیف و بروز دادن آن در رفتار و کردار خود، امری اختیاری و دارای ارزش اخلاقی مثبت یا منفی است (همان، ص ۱۹۰).

ارتباط بازی و تربیت عاطفی

در روان‌شناسی غربی عواطف و احساسات دارای یک ماهیت هستند و در تغییرات بیولوژیک و فیزیولوژیک و ترشح غدد درون‌ریز ریشه دارد، اما در روان‌شناسی اسلامی اگرچه وجود احساسات با ماهیت مذکور مورد تأیید است؛ ولی عواطف عالی انسانی متفاوت از احساسات است و ماهیت معرفتی دارد و جایگاه آن، قلب است و به نوعی می‌توان گفت عاطفه، زبان قلب است (زاهدی، ۱۳۸۵، ص ۵۷). تربیت عاطفی به معنای اتخاذ تدابیر مقتضی برای فراهم ساختن شرایط مساعد برای رشد عواطف مثبت و کنترل و هدایت عواطف منفی است. به عبارت دیگر تربیت عاطفی به معنای شکوفاسازی عواطف با راهنمایی عقل و شرع است تا جلوی افراط و تفریط‌های عاطفی گرفته شود (موسوی، ۱۳۹۱، ص ۶).

یکی از مباحث بین رشته‌ای و قابل تأمل که هم در روش تبلیغی قرآن و هم به عنوان یک بُعد از ابعاد توانمند انسان در موضوعات تربیتی مورد بحث قرار گرفته است، عاطفه و نگاه عاطفی به تربیت است. عواطف، عاملی تأثیرگذار در بقای زندگی انسان و عامل بسیاری از رفتارها و اندیشه‌ها و تصمیمات است. تربیت عاطفی، نقطه عطف تربیتی سایر

ابعاد وجودی انسان از جمله عقلانی، اجتماعی و معنوی است و سلامت روانی انسان، به سلامت عاطفی اش بستگی دارد (شعاری نژاد، ۱۳۴۹، ص ۳۵۲). آن حضرت احساسات و عواطف در دوران کودکی را نیز به برگی نازک و خوش بو تشبیه کرده و فرموده است: «وَلَدُكَ رِيحَانُكَ سَبْعًا، وَخَادِمُكَ سَبْعًا، ثُمَّ هُوَ عَدُوُّكَ أَوْ صَدِيقُكَ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۴۳)؛ فرزندان، هفت سال دسته گل تو و هفت سال خدمتکار توست، سپس یا دشمن توست و یا دوست تو».

مهم ترین نکته در مبحث عاطفه در آموزه های اسلامی، انگیزه های نیرومندی مبتنی بر شناخت است که اگر از سلطه و کنترل انسان خارج شود، مناسبات فرد را به صورت غیر انسانی در می آورد و به نوعی زندگی فردی و اجتماعی فرد را تحت تأثیر مثبت یا منفی قرار می دهد (شریعتمداری، ۱۳۷۹، ص ۵۶). عواطف و هیجانات کودک در برخورد با شرایط محیطی به تدریج شکوفا می شود. محبت، امید، شیفتگی، لذت، خشم، ترس و حسادت، از مجموعه عواطفی است که در تشکیل نظام عاطفی کودک شرکت دارند. وابستگی میان عواطف و رشد اجتماعی نیز بسیار زیاد و گاه غیر قابل تفکیک است؛ زیرا عواطف در ارتباط با دیگران ظاهر می شوند (سیف و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۴). در واقع بازی از مهم ترین عوامل رشد جسمانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و عقلانی تلقی می شود و مهارت ها و تجارب کودک از طریق بازی رشد می کند (همان، ص ۲۴۹). آموزش تعالیم دینی در قالب بازی های کودکان و با نرمی به آن ها، افزون بر اینکه جاذب و جالب خواهد بود و دافعه نخواهد داشت؛ پایدار نیز می ماند. آنچه کودک با شیرینی می آموزد، بهتر به ذهن می سپارد.

آثار بازی در تربیت کودک

بازی آثاری در تربیت عاطفی کودک دارد که در ادامه به آن ها پرداخته می شود.

۱. کسب امنیت و آرامش

نخستین مدرسه تربیت کودک و محل رشد او، خانه و خانواده است. ایجاد شرایط مساعد در محیط خانواده، از مهم ترین وظایف پدر و مادر و یکی از اساسی ترین نیازهای کودک به شمار می آید (شجاعی، ۱۳۹۸، ص ۲۹). اگر والدین محیط های امن سرشار از اعتماد و

احترام متقابل را به وجود آورند، احساس ناامنی در کودکان کمتر و احساسات خوب، شعور و انگیزه ذاتی یادگیری در آنان شکوفا می‌شود. در چنین محیطی است که بهترین شرایط ذهنی برای یادگیری کودکان ایجاد می‌شود (همان، ص ۳۹).

احساس امنیت عاطفی، یکی از مهم‌ترین عوامل رشد رضایت بخش کودکی است و همان‌گونه که اربیل، اریکسون و بسیاری از صاحب‌نظران دیگر بر آن تکیه کرده‌اند، والدین و سایر افراد خانواده باید طی یک دوره طولانی از مراقبت پایدار و واقعی، این نیاز را برآورده کنند. احساس امنیت از طریق محبت کردن به کودک و تأیید او حاصل می‌شود. کودک باید احساس کند که صمیمانه دوستش دارند و او را به عنوان یک فرد تأیید می‌کنند. او در صورتی می‌تواند نگرشی مثبت و پایدار نسبت به زندگی داشته باشد که محبت و تأیید پایدار و یکنواختی از طرف افراد خانواده دریافت کند (سیف، ۱۳۹۹، ص ۲۳۷). ایجاد محیط امن و سرشار از امکانات تفریحی نیز یکی از عوامل سلامت روح و روان آدمی است و برای کودک ارزش حیاتی دارد (شجاعی، ۱۳۹۸، ص ۲۹). والدینی که معتقدند پاسخگویی به نیازهای انسان یکی از اصلی‌ترین راه‌های ابراز محبت به اوست، باید بدانند بازی یکی از نیازهای حقیقی فرزندان است (عباسی ولدی، ۱۳۹۴، ص ۲۱).

مشارکت والدین در بازی یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های بازی مفید است. اجازه بازی دادن به کودک، پیام دوستی را به او منتقل می‌کند؛ حتی اگر پدر و مادر در بازی او سهمی نداشته باشند، اما بازی کردن با کودک یکی از تأثیرگذارترین راه‌های ابراز محبت است (همان، ص ۵۵). مشارکت پدر و مادر در بازی، موجب می‌شود کودک احساس امنیت کند؛ زیرا یکی از اصلی‌ترین عوامل احساس امنیت کودک در خانه، شاد بودن و رابطه عاطفی همه اعضای خانواده است (همان، ص ۶۵). هنگامی که پدر و مادر و یا یکی از آن دو بی‌حوصله باشند و تحمل شلوغ بازی کودکان را نداشته باشند، آسایش کودکان را از آن‌ها سلب و از بازی آن‌ها جلوگیری می‌کنند. از همین روست که پیامبر ﷺ به پدران و مادران گوشزد کرده است که هر گاه در کودکان خود شیطنیت و شلوغ بازی مشاهده کردند، مانع بازی و تحرک و فعالیت آن‌ها نشوند؛ زیرا ممکن است همین شلوغ بازی‌ها و جنب و جوش‌ها که گاه موجب به هم‌ریختگی

اسباب و وسایل و ناراحتی و عصبانیت والدین می‌شود، به اخلاق فاضله و رفتارهای بهنجار آنان در بزرگسالی بینجامد (شجاعی، ۱۳۹۸، ص ۳۷)؛ چنانکه آن حضرت درباره شیطنت و بازی کودک و تأثیر آن بر دوران بزرگسالی فرموده است: «تندخویی و میل بسیار به بازی در کودکی، نشانه متانت و زیادی عقل کودک در بزرگسالی است»^۱ (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۷۱۳). این سخن رسول اکرم ﷺ را از دیدگاه روان‌شناسی می‌توان به نوعی منطبق بر این نظریه دانست که بازی و شیطنت در دوران کودکی، موجب تخلیه انرژی زاید جسمی و روحی می‌شود و در رسیدن کودک به آرامش و حلم در بزرگسالی تأثیرگذار است (سیف و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۲۹). امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز درباره شیطنت و بازی کودکان فرموده است: «تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صَغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ ثُمَّ قَالَ مَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا هَكَذَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۲۷۹). مرحوم مجلسی در ذیل این روایت، «عرامه» را به معنای شیطنت، بازیگوشی و علاقه بیش از حد کودک به بازی دانسته است. بنابراین معنای روایت چنین می‌شود: «شایسته است کودک به هنگام خردسالی، بازیگوش و پر جنب و جوش باشد تا در بزرگسالی صبور و شکیبا و باهوش شود. سپس حضرت فرمود: البته انتظار نمی‌رود که کودک غیر از این باشد».

اگر کودکی مطیع و آرام و خوش اخلاق باشد، هنگام بزرگسالی وابسته، کودن، کم‌هوش و ناشکیبا خواهد بود. بنابراین بازی، شیطنت، شکستن و به هم ریختن، حق طبیعی کودک و نشانه هوش و زیرکی او در بزرگسالی است. والدین باید به آثار تربیتی بازی توجه کنند و با الهام از سیره عملی معصومین علیهم السلام که به فرزندان خود اجازه بازی و تفریح می‌دادند، به کودکان خود اجازه دهند به تفریح و سرگرمی مشغول باشند (شجاعی، ۱۳۹۸، ص ۳۸). بنابراین محتوای بازی انتخابی کودکان، اغلب انعکاسی از خواست درونی آن‌هاست. کودک از طریق بازی آشفتگی‌ها و سردرگمی‌های خود را به نمایش می‌گذارد یا آن‌ها را دور می‌افکند و یا کنترل می‌کند و از این طریق به نوعی آرامش عاطفی دست می‌یابد. با کسب آرامش عاطفی او قادر به تصمیم‌گیری منطقی‌تر می‌شود (مهجور، ۱۳۷۶، ص ۸۲).

۱. «عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صَغَرِهِ زِيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ».

۲. از بین رفتن عقده‌ها

در میان ابعاد مختلف رشد کودک، بُعد عاطفی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا آثار و نتایج آن برای همیشه در روح و روان فرد باقی می‌ماند. روان‌شناسان معتقدند سال‌های اولیه زندگی کودک، در رشد روانی و عاطفی او نقش مهمی دارد (پورعلیرضا توتکه، ۱۳۸۹، ص ۳۶). آنچه در قالب کمبود روحی و اخلاقی و به شکل ناسازگاری با جامعه و ناآرامی و اضطراب، تحمل نکردن موفقیت دیگران و ایجاد موانع روحی و مادی بر سر راه آن‌ها و یا افسردگی در جامعه دیده می‌شود، نتایج ناآگاهی از بُعد عاطفی است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۱).

نظریه کاتارسیس (بازی به عنوان عقده‌گشایی یا تصفیه عواطف) توسط کارل گروس درباره بازی مطرح است. بر اساس این دیدگاه، انسان درگیر تمایلات و کشش‌هایی مانند ستیزه‌جویی، پرخاشگری، ناسازگاری و نافرمانی است و بازی امکان می‌دهد که کودک تمایلات مذکور را به طور ناآگاهانه ارضا کند. زمانی که انسان خشمگین است و غدد داخلی هورمون‌هایی را درون خون می‌ریزد که تعادل بدن را بر هم می‌زنند، باید فعالیتی صورت گیرد تا بدن به حال طبیعی خود بازگردد (ابراهیمی شادی، ۱۳۹۸، ص ۱۸). آدلر در رابطه با بازی نظریه جبران را ارائه داده است. از دیدگاه او بازی، وسیله‌ای برای آرام ساختن میل خودنمایی و برتری‌جویی کودک است. او معتقد است بازی به کودک امکان می‌دهد که امیال مزبور را با توجه به خواسته‌های خود به راحتی دگرگون کند و در بازی‌های خود نشان دهد (همان، ص ۱۷). فروید نیز بازی را فعالیتی تخلیه‌ای می‌داند؛ فعالیتی که کودکان را با موقعیت‌های دشوار آشنا می‌کند. کودک با موقعیت خیالی که در بازی دارد، در قالب بزرگسالان در می‌آید و به تجربه‌هایی دست پیدا می‌کند و از این طریق می‌تواند در برابر واقعیت‌های حیات مقاومت کند. کودکان در بازی عواطف خود را آزادانه آشکار می‌کنند و خشم و نفرت، ترس، حسادت و خود را نیز به طریق‌های مختلف نشان می‌دهند (همان، ص ۱۹).

کودک در زندگی روزانه نیاز دارد که از تشنج‌های حاصل از محیط‌رهایی یابد و بازی چنین فرصتی را به او می‌دهد. بازی به کودک می‌آموزد که چگونه و به چه طریقی، احساسات خود را در قالب آنچه که اجتماع از او انتظار دارد؛ بیان کند. دستیابی به چنین هدفی

از طریق بازی‌ها و یا روش‌های غیر مستقیم دیگری همچون خواندن کتاب و دیدن فیلم امکان پذیر است؛ زیرا کودک بدین ترتیب می‌تواند احساساتی از قبیل خشم، محبت، ترس، رنج، نگرانی، شادی و... را آن‌طور که میل دارد، در قالب شخصیت‌های دلخواهش بیان کند و یا احساسات خود را که قادر به بیان آن نیست؛ به‌طور غیر مستقیم توسط وسیله یا شخص دیگری ابراز نماید. در اینجا نقش بازی نه فقط به‌عنوان وسیله‌ای برای رهایی کودک از نگرانی و تشنج‌هاست؛ بلکه راهی برای عرضه نیازها و تمایلاتی است که به‌طریق دیگر برآورده نمی‌شود. در واقع بازی وسیله طبیعی کودک برای بیان خود است؛ همان‌گونه که بزرگسالان با بیان مشکل خود و مطرح کردن آن، راه‌حلی برای خودشان پیدا می‌کنند (پورعلیرضا توتکه، ۱۳۸۹، ص ۳۶). انسان در کودکی باید با بازی روحیه ستیزه‌جویی، جنگجویی، ترس‌ها و تردیدهای خود را ارضا کند تا در بزرگسالی صبور باشد. کودکان بر اثر موفقیت‌هایی که در بازی به دست می‌آورند، ناکامی‌های زندگی را فراموش می‌کنند و یا به شیوه‌های گوناگون مانند داد و فریاد زدن یا به‌گونه‌ای منطقی در بازی با هم‌بازی‌ها یا اسباب‌بازی‌های خود، عقده‌های خود را خالی می‌کنند. اگر از بازی کودک جلوگیری شود، به‌صورت عقده‌ای دیگر بروز می‌کند (علی‌محمدی، ۱۳۹۳، ص ۸۳).

کودک با خندیدن عواطف خود را تسکین می‌دهد، با تخریب کردن نارضایتی و عقده‌هایش را بیرون می‌ریزد، عروسک خود را لگد می‌زند، خانه ساخته شده را فرو می‌ریزد، کاغذ، پارچه و هر چه را که در دسترس باشد، از میان می‌برد. در واقع تجزیه و تحلیل دقیق بازی کودک از بُعد عاطفی و روانی، به شدت از طرف بازی‌درمان‌ها و روان‌شناسان مورد توجه قرار گرفته است و آنان عقیده دارند بازی، راهی است برای درک و تشخیص کودک. مشاهده بازی کودک و توجه به محتوای آن (خودآگاه یا ناخودآگاه) ضمن تسکین تنش‌های کودک، می‌تواند به مثابه شاخصی برای توانایی او در سازش با دیگران، تحمل سختی‌ها و محدودیت‌ها، انتظارات او از محیط دیگران و آرزوها و احساسات او به کار رود (مهجور، ۱۳۷۶، ص ۱۲۳). بازی، بهترین وسیله برای رشد و شکوفایی احساسات کودک و مهم‌ترین راه برای پرورش هیجان‌ها و عواطف اوست. حین بازی است که او چگونگی بروز عواطف، کنترل و

ارضای مناسب آن‌ها را می‌آموزد. هر چند کودک میان واقعیت و بازی فرق می‌گذارد و صداقت کودکانه را در بازی ظاهر می‌کند. احساس‌ها، تشویش‌ها و اضطراب‌های کودک هنگام بازی حقیقی هستند (شجاعی، ۱۳۹۸، ص ۲۱).

بسیاری از مادران نمی‌دانند با کودک لجوج، گستاخ، گوشه‌گیر، دیرآموز یا حتی بیش‌تحرك چگونه رفتار کنند (مهجور، ۱۳۷۶، ص ۱۲۳). عدم تخلیه انرژی کودک، مشکلاتی را برای او به وجود می‌آورد که یکی از آن‌ها، عصبی شدن اوست. کودکی که دوست دارد خودش را با جنب و جوش تخلیه کند، اما پدر و مادر به او اجازه این کار را نمی‌دهند؛ مانند کسی است که بغض گلویش را گرفته است، اما به او اجازه گریه کردن نمی‌دهند. این مسئله به شدت روی آرامش روانی و عصبی کودک تاثیر منفی دارد. یکی از راه‌های تخلیه انرژی کودک، بازی‌های فعال است؛ بازی‌هایی که کودک در آن جنب و جوش دارد و ساکن نیست (عباسی ولدی، ۱۳۹۴، ص ۸۳). روان‌شناسی بازی، مادران و پدران را در این زمینه تجهیز و به آنان کمک می‌کند شیوه‌های تربیت فرزند سالم و موفق را به دست آورند. با دستیابی به روش‌های اصولی پرورش، می‌توان از بسیاری مشکلات رفتاری کودک جلوگیری و با ارتقای هوش او، زمینه‌های زندگی موفقیت‌آمیز وی را فراهم کرد؛ به‌گونه‌ای که اگر موقعیت ژنتیکی مناسبی داشته باشد، به سادگی می‌توان از او یک نابغه ساخت. رفتار با کودک نیز همانند هر تکنیک دیگری، آموختنی است (مهجور، ۱۳۷۶، ص ۱۲۳).

توجه به کرامت ذاتی کودک، زمینه‌ساز ایجاد اعتماد و اطمینان در وجود اوست و محبت به وی، احساس ارزشمند بودن را در او ایجاد می‌کند. اعتماد به نفس یا همان ارزیابی شخص نسبت به ارزشمندی خویشتن و همان چیزی است که درباره خود می‌اندیشید و احساسی است که فرد درباره خود دارد. اعتماد به نفس، از آثار محبت به کودک و از عوامل موفقیت فرد در زندگی فردی و اجتماعی است؛ زیرا با محبت به کودک، وی احساس ارزشمندی می‌کند. در مقابل اگر به او محبت نشود، گرچه در زندگی موفق هم باشد؛ احساس بی‌ارزشی می‌کند و به خود و دیگران بی‌اعتماد می‌شود (علی‌محمدی، ۱۳۹۳، ص ۸۳). برخورد خشن و تند با کودک موجب می‌شود کودک اعتماد به نفس خود را از دست بدهد. هیچ چیز به اندازه تحقیقی که

کودک در قبال قدرت و زورنمایی بزرگترها در خود احساس می‌کند، اعتماد به نفس را در او خاموش نمی‌کند (همان، ص ۴۹). کودکان نیز به نوبه خود مقام و احترام و شخصیتی دارند و بزرگترها به ویژه والدین باید این شخصیت را محترم بشمارند، در حضور دوست و همکلاسی آبروی او را نبرند و به او توهین و جسارت نکنند. اساسی‌ترین و ثمربخش‌ترین راه برای رشد شخصیت کودک و برخورداری از استقلال فکری و اعتماد به نفس، احترام به اوست. کودک باید احساس کند که در محیط اجتماعی کوچک خانواده، احترام افراد محفوظ است و توهین و تحقیر و جسارت در کار نیست تا کم کم اهمیت احترام‌گذاری را درک کند (همان، ص ۵۰).

یکی از اصولی که باید درباره فرزندان رعایت شود، اکرام آن‌هاست؛ چنانکه پیامبر ﷺ فرموده است: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُعْفَرُ لَكُمْ» (حر عاملی، ۱۱۰۴، ج ۲۱، ص ۴۷۶)؛ فرزندان تان را اکرام دارید و آداب تان را نیکو سازید». غفلت از کرامت ذاتی کودک در تربیتش، موجب تباه شدن او و والدین می‌شود. بازداشتن کودک از مطلق بازی تکریم نیست؛ بلکه تکریم او در این است ضمن بازی‌های معقول، جوش و خروش و خودسازی و رشد صحیح داشته باشد. او یک انسان زنده، پویا و شتابان در راه کامل شدن و رفع نقص‌ها و کمبودها و آن که خاموش و آرام است، مرده است. بنابراین ابتدا باید به کودک ارزش و شخصیت داد و سپس از او انتظار کارهای مثبت، مفید و اخلاق‌والای انسانی داشت (بهشتی و منطقی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶). بنابراین بازی‌های مناسب تمایل به ستیزه‌جویی و جنگ‌جویی را کاهش می‌دهد، بر برون‌نگری کودک می‌افزاید، نیاز به برتری‌جویی را ارضا می‌کند، موجب بروز احساسات، عواطف، ترس‌ها و تردیدها، مهر و محبت‌ها، خشم‌ها، کینه‌ها و نگرانی‌ها می‌شود و اعتماد به نفس کودک را افزایش می‌دهد، از اضطراب می‌کاهد و عزت نفس و خودپنداره مثبت ایجاد می‌کند، انرژی اضافه تخلیه می‌شود و نیروی تازه ایجاد می‌کند (همان، ص ۲۳).

۳. جهت دادن به محبت برای پرستش خداوند

اصل وجود عواطف در انسان، امری فطری و غیر اختیاری است. بنابراین عواطف دارای ارزش مطلق نیستند؛ بلکه ارزش آن‌ها به ملاک‌های دیگری بستگی دارد. بنا بر آیات و روایات، عواطف باید کنترل شوند و از افراط و تفریط در این زمینه جلوگیری کرد و آن‌ها

را تحت کنترل و هدایت عقل در آورد. از آنجا که تقویت و تضعیف عواطف فطری اختیاری است، پس والدین و معلم و خود انسان می‌توانند در جهت دهی، تقویت و تضعیف آن‌ها نقش مؤثری داشته باشند و بر اساس اصول صحیح تربیتی در رشد و سرکوب عواطف مؤثر باشند (شیروانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۹۸-۱۹۰).

یکی از عواطف شگفت‌آور و برجسته انسان، دلبستگی و محبت است. ساختار وجودی آدمی به گونه‌ای است که به اشخاص و اشیا دل می‌بندد و در این راه، دشواری‌ها را با آغوش باز می‌پذیرد و چه بسا جان خویش را نیز به خطر می‌افکند. اگر این دلبستگی و محبت هدایت شود و آدمی از فانی دل برکند و بر باقی دل نهد، بی‌تردید شخصیت گذشته خویش را ترک خواهد کرد و بر خودخواهی و خودبینی قلم بطلان خواهد کشید و در این راه، درس ایثار و فداکاری خواهد آموخت. بزرگ‌ترین هنر آدمی این است که می‌تواند دلیرانه از همه تعلقات و تمتعات دست بشوید و از همه «من»ها و «منیت»ها دل بگریزد و به خاطر خداوند از تمامی دلبستگی‌ها دست بردارد. بررسی‌های روان‌شناختی نشان داده است که عامل مؤثر در رشد روانی، رشد شخصیت و سلامت روان و رشد جسمانی کودک، مهرورزی به او و بی‌توجهی والدین و مربیان نسبت به این نیاز اساسی و طبیعی، دلیل اصلی ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های روانی در کودک است (علی‌محمدی، ۱۳۹۳، ص ۲۰). بنابراین می‌توان احساسات و انفعالات را به دلیل اینکه تحت تأثیر عوامل بیرونی هستند، با اختیار جهت داد. برای مثال توجه به خداوند و تلاش برای درک بیشتر و عمیق‌تر عظمت الهی، امری اختیاری است که اگر تحقق یابد، موجب خوف و خشیت از خداوند می‌شود (شیروانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۹۷).

محبت، نیروی بسیار عظیم و مؤثری است که دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند. انسان بنا بر فطرت خود، نیازمند محبت است و محبت، سر منشأ تربیت نفس و نرم شدن دل‌های سخت است؛ زیرا با هیچ چیز مانند محبت نمی‌توان دل را به دست آورد و او را از سرکشی و پلیدی باز داشت و به بندگی و راستی و درستی واداشت (نوری کلکناری، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲). محبت، داروی شفابخش دردها، تسکین‌دهنده قلب‌ها و بهترین راه حل مشکلات و ناسازگاری‌های تربیت است. محبت به فرد در هر مکان و زمان، وسیله‌ای کارآمد و مؤثر

است. همگان در هر موقعیت به عاطفه و محبت نیاز دارند، اما کودکان بیش از دیگران تشنه محبت هستند (شریعتی و صحرایی، ۱۳۹۸، ص ۷۰). نیم‌نگاهی به روایات اخلاقی و تربیتی نیز گویای آن است که مسئله محبت و عاطفه، از ارکان مهم تربیت فرزند شمرده شده است؛ چنانکه پیامبر ﷺ فرموده است: «کودکان را دوست بدارید و آنان را مورد محبت و مرحمت قرار دهید»^۱ (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۶۹۹).

یکی از اصلی‌ترین پیام‌های بازی کردن با کودکان، محبت است. این یک قاعده کلی در تربیت است: «برای محبت کردن به کودک باید نیازهای حقیقی او را بشناسید و آن را برآورده کنید». کودکان به کسانی که بیشتر با آن بازی می‌کنند، علاقه بیشتری دارند. هر اندازه نیازی که برآورده می‌شود، اساسی‌تر باشد؛ محبتی که از طریق پاسخگویی به آن نیاز ایجاد می‌شود، عمیق‌تر خواهد بود. از همین روست که نزدیکی روحی میان والدین و بچه‌ها را که از طریق بازی حاصل می‌شود، در کمتر رفتاری می‌توان یافت. اجازه بازی دادن به کودک، پیام دوستی را به او منتقل می‌کند. بازی کردن با کودک، یکی از تأثیرگذارترین راه‌های ابراز محبت است (عباسی ولدی، ۱۳۹۴، ص ۵۵-۲۴).

والدین زمینه‌ساز اعتقاد به خدا و چگونگی و کیفیت اعتقاد به او در کودک هستند. بنابراین اگر والدین محیطی امن و پاسخگو به نیازهای کودک را فراهم نمایند، او در بزرگسالی نسبت به خدا به عنوان روزی‌سان، محبت و اعتقاد پیدا خواهد کرد (نوری کلکناری، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵). پرورش و تقویت محبت خداوند، یکی از اهداف مهم تربیتی است که در راستای هدف غایی خلقت که همان قرب الی‌الله است؛ قابل توجیه است (همان، ص ۱۰۵). برای پرورش عاطفی کودک می‌توان از بازی استفاده کرد؛ چرا که کودک با بازی کردن مهارت‌هایی را می‌آموزد که برای رشد عاطفی او مؤثر خواهد بود (بهشتی و منطقی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱).

تربیت در دوران کودکی مانند نقش زدن بر سنگ است که تغییر آن بسیار سخت است. والدین و مربیان وظیفه دارند علمی را به کودک آموزش دهند که به کار دنیا و آخرت‌شان بیاید و نقشه راه زندگی‌اش باشد. ایجاد محبت خدا با فطرت توحیدی کودک، هماهنگ

۱. «أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَ اِرْحَمُوهُمْ».

است و آنچه را که فطرت طالب آن باشد، راحت تر می توان در مرتبه ایجاد و تقویت کرد. ایجاد محبت به خدا نیز موجب اطاعت آوری و فرمان پذیری در کودک می شود (نوری کلکناری، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴). جهان کودک، جهان محسوسات و مشهودات است و کار عمده و اساسی این دوره را بازی تشکیل می دهد. بنابراین برای آموزش مفاهیم انتزاعی مانند خدا، مرگ، قیامت و کیفر و پاداش اعمال به کودکان، باید این مفاهیم را بر پایه ویژگی های محسوس توصیف کرد و آن ها را در قالب بازی ها و داستان های کودکان به آنان آموخت (شجاعی، ۱۳۹۸، ص ۱۹). والدین با آموزش های غیر مستقیم می توانند محبتی را که از طریق بازی در کودک به وجود می آید، به محبت به خداوند تبدیل کنند و این محبت زمینه ساز پرستش خداوند می شود؛ چنانکه در روایتی آمده است حضرت زهرا علیها السلام در دوران کودکی و شیرخوارگی امام حسن علیه السلام، با آن حضرت بازی می کرد و برایش این گونه شعر می سرود:

إِسْبَهُ أَبَاكَ يَا حَسَنُ وَ اخْلَعْ عَنِ الْحَقِّ الرُّسْنَ
وَ اعْبُدْ لَهَا ذَائِمًا وَلَا تُوَالِ ذَا الْإِحْسَنِ

ای حسن، شبیه پدرت باش و قید و بند را از حق، خلع نما و خدایی را که صاحب منت ها و نعمت هاست، پرستش کن و با کینه توزان دوستی مکن (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۸۶). همه این فرازها قابل دقت و تأمل است. وقتی در خردسالی به کودک بگویند شبیه پدرت باش، در واقع پیام دلنشینی را به او می دهد که الگو می سازد. اگر مادری در ضمن بازی دادن به کودک، این سرود را زمزمه کند که باید قید و بند را از حق خلع کنی، چه معنایی دارد؟ آیا مقصود از این گفتار جز این است که باید حق را بدون هیچ قید و شرطی قبول کرد؟ مادر در حین بازی کردن با کودک، او را به خلق و خوی خداپرستی دعوت و سرود یکتاپرستی را در گوش جان او زمزمه می کند و به او می آموزد که با کینه توزان دوستی نکند (بهشتی و منطقی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷). یکی از عمیق ترین انواع محبت ها، محبت به خداست. پرورش و تقویت محبت خداوند، یکی از اهداف مهم تربیتی است که زمینه ساز پرستش خداوند می شود. والدین، زمینه ساز اعتقاد کودک به خداوند هستند. آموزش هایی که در فضایی سرشار از امنیت، عشق و محبت به وجود آید؛ عمیق تر خواهد بود. والدینی که با فرزندان خود بازی می کنند و پیام محبت،

عشق و دوستی را در جان آنان تزریق می‌نمایند؛ می‌توانند از طریق بازی عالی‌ترین نوع محبت را در کودک نهادینه و او را فرمانبردار و مطیع اوامر الهی کنند.

نتیجه‌گیری

اسلام برای تربیت کودک، برنامه‌ای جامع و هماهنگ با فطرت او قرار داده است. اگر خانواده‌ها و به‌ویژه والدین با سیره تربیتی ائمه علیهم‌السلام درباره بازی با کودکان آشنا شوند و توصیه‌های آیین مقدس اسلام را در مورد این مقوله جدی بگیرند، در امر تربیت کودکان شان بسیار موفق خواهند بود. کودک بالفطره میل به بازی دارد و توجه به بازی کودک، بسیاری از مشکلات روانی و عاطفی وی را حل می‌کند. بازی، آثار عاطفی گوناگونی را در کودکان ایجاد می‌کند که هر کدام زمینه‌ساز شکل‌گیری ابعاد مختلف شخصیت انسان هستند.

کودک از طریق بازی آشفتگی‌ها و سردرگمی‌های خود را کنترل می‌کند، به نوعی آرامش عاطفی دست می‌یابد و با کسب آرامش عاطفی قادر به تصمیم‌گیری منطقی‌تر می‌شود. در حین بازی است که او چگونگی بروز عواطف، کنترل و ارضای مناسب آن‌ها را می‌آموزد. تمایل به ستیزه‌جویی در وجودش کاهش و برون‌نگری‌اش افزایش می‌یابد، برتری‌جویی‌اش ارضا می‌شود و اعتماد به نفس او افزایش می‌یابد. همچنین انرژی اضافه درونش تخلیه می‌شود و نیروی تازه‌ای در وجودش شکل می‌گیرد، اضطراب‌هایش کاهش می‌یابد و عزت نفس و خودپنداره مثبت در وی ایجاد می‌شود. والدینی که با فرزندانشان خود بازی می‌کنند و پیام محبت، عشق و دوستی را در جان کودک تزریق می‌نمایند؛ می‌توانند از طریق بازی، عالی‌ترین نوع محبت را در کودک نهادینه و او را فرمانبردار و مطیع اوامر الهی کنند.

فهرست منابع

فارسی

۱. ابراهیمی شادپی، عاطفه، (۱۳۹۸ ش)، «بررسی تحلیلی جایگاه بازی در تعلیم و تربیت کودکان از نظر مکاتب غربی و اسلام»، پایان نامه کارشناسی ارشد، همدان: دانشگاه پیام نور.
۲. احمدوند، محمد علی، (۱۳۸۸ ش)، روان شناسی بازی، تهران: دانشگاه پیام نور.
۳. اعرافی، علیرضا و جواد ابراهیمی، (۱۳۹۶)، «روش های زمینه ساز تربیت اجتماعی: حکم فقهی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فقه تربیتی، سال چهارم، ش ۸، ص ۱۳۹-۱۱۶.
۴. اعرافی، علیرضا و محمد کاظم مبلغ، (۱۳۹۴)، «حکم فقهی استفاده از بازی در تربیت»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فقه تربیتی، سال دوم، ش ۴، ص ۱۱۰-۸۳.
۵. اعرافی، علیرضا، (۱۳۹۱ ش)، فقه تربیتی، تحقیق و نگارش سید نقی موسوی، چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی و هنری اشراق.
۶. بهشتی، احمد و سعید بهشتی، (۱۳۹۱ ش)، اسلام و بازی کودکان، چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۷. بهشتی، سعید و یگانه منطقی، (۱۳۹۰)، «بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین (علیهم السلام)»، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه های نوین تربیتی، دوره ۷، ش ۳، ص ۱۱۴-۹۱.
۸. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۳ ش)، نهج الفصاحه، قم: انصاریان.
۹. پورعلیرضا توتکله، علی، (۱۳۸۹)، «بازی و رشد همه جانبه کودک»، نشریه پیوند، ش ۳۷۶، ص ۳۷-۳۵.
۱۰. جوهری، معصومه و فاطمه صیفی، (۱۳۹۸)، «نقش بازی در تربیت دینی کودکان»، دوفصلنامه مطالعات تخصصی دین پژوهشی، دوره سوم، ش ۶، ص ۳۶-۲۵.
۱۱. زاهدی، مرتضی، (۱۳۸۵ ش)، نظریه تربیتی اسلام، تهران: مؤسسه فرهنگی صابره.
۱۲. سقای بی ریا، ناصر و عباس شاملی، محمد جواد زارعان، ابوالفضل ساجدی، مرتضی آقا تهرانی، سید احمد رهنما، علی مصباح و ابوالحسن حقانی، (۱۳۸۵ ش)، روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، چاپ چهارم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
۱۳. سیف، سوسن و پروین کدیور و رضا کرمی و حسین لطف آبادی، (۱۳۹۹ ش)، روان شناسی رشد، چاپ ۲۹، تهران: پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت).
۱۴. شجاعی، محمد صادق، (۱۳۸۴ ش)، «مسئولیت والدین در زمینه بازی کودک از نظر اسلام»، ماهنامه شمیم یاس، مهر ماه، ش ۳۱، ص ۴۳-۳۸.
۱۵. شجاعی، محمد صادق، (۱۳۹۸ ش)، بازی کودک در اسلام، چاپ هفتم، قم: بوستان کتاب.
۱۶. شریعتمداری، علی، (۱۳۷۹ ش)، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: امیرکبیر.
۱۷. شریعتی، صدرالدین و فاطمه صحرايي، (۱۳۹۸)، «بررسی نقش والدین در تربیت عاطفی کودک با بهره گیری از سیره امام رضا (علیه السلام)»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی دانشگاه علامه طباطبائی، سال دهم، ش ۳۸، ص ۸۰-۵۹.

۱۸. شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۴۹ ش)، روان شناسی یادگیری، تهران: توس.
۱۹. شیروانی، علی، (۱۳۸۰ ش)، اخلاق در قرآن؛ درس های استاد محمدتقی مصباح یزدی، چاپ دوم، قم: انتشارات دارالفکر.
۲۰. عباسی ولدی، محسن، (۱۳۹۴ ش)، نقش بازی در تربیت، از مجموعه من دیگر ما، چاپ هشتم، قم: آیین فطرت.
۲۱. عثمان، عبدالکریم، (۱۳۷۳ ش)، روان شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان مسلمان، ترجمه محمدباقر حجتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. علی محمدی، زهرا، (۱۳۹۳)، «تربیت عاطفی کودک در خانواده از دیدگاه اسلام»، پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۲۳. عمید، حسن، (۱۳۳۷ ش)، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۴. کاظمی، حمیدرضا، (۱۳۹۱ ش)، برنامه درسی و تربیت اخلاقی: با نگاهی به آثار علامه مصباح یزدی، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
۲۵. کشاورز، سوسن و فاطمه قلی ها، (۱۳۹۱ ش)، تبیین فلسفه بازی در تربیت سازگار با آموزه های انسان شناختی و معرفت شناسی اسلام، چاپ اول، تهران: انتشارات مدرسه.
۲۶. کوثری، مسعود، (۱۳۸۹ ش)، عصر بازی، چاپ اول، تهران: دریاچه نور.
۲۷. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۹ ش)، میزان الحکمه، قم: دارالحدیث.
۲۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳ ش)، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ ۲۳، تهران: صدرا.
۲۹. موسوی، سیدرضا، (۱۳۹۲ ش)، «روش های تربیت عاطفی از منظر قرآن کریم و حدیث با تأکید بر محبت، خشم و ترس»، رساله دکتری، قم: دانشگاه قرآن و حدیث.
۳۰. مهجور، سیامک رضا، (۱۳۷۶ ش)، روان شناسی بازی، تهران: ویرایش.
۳۱. نجفی، محمد و زهره متقی و کمال نصرتی هشی، (۱۳۹۴)، «سازماندهی نظام تربیت عاطفی مبتنی بر آموزه های قرآنی»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۳، ش ۲۹، ص ۸۱-۴۹.
۳۲. نوری کلکناری، مهتری، (۱۳۹۴)، «محبت خدا در تربیت عاطفی کودک؛ ضرورت و راهکارها»، فصلنامه علمی تخصصی مطالعات قرآنی نامه جامعه، ش ۱۱۵، ص ۱۲۶-۱۰۵.
۳۳. هیوز، فرگاس پیتر، (۱۳۸۴ ش)، روان شناسی بازی (کودکان، بازی و رشد)، ترجمه کامران گنجی، تهران: رشد.

عربی

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، چاپ اول، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت: دار الفکر.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ ق)، الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربیة، چاپ اول، بیروت: دار العلم للملایین.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۷۳ ش)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، چاپ اول، بیروت - دمشق: دارالقلم - الدار الشامیة.
۶. زبیدی، سید محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: موسسه الوفاء.

